

درآمدی بر
فلسفه‌های تعلیم و تربیت در تمدن اسلامی

محمد داودی

محمد بهشتی

سعید بهشتی

تابستان ۱۳۹۹

داودی، محمد، -
 درآمدی بر فلسفه‌های تعلیم و تربیت در تمدن اسلامی / محمد داودی، محمد بهشتی و سعید بهشتی — قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۹ هجده، ۴۴۶ص. — (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۵۴۵: علوم تربیتی؛ ۵۲) (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)؛ ۲۳۵۹: علوم تربیتی؛ ۱۶۵)
 بها: ۵۸۰۰۰۰ ریال
 فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.
 کتابنامه، ص. [۴۳۳]؛ ۴۳۹: همچنین به صورت زیرنویس.
 نمایه.
 ۱. اسلام و آموزش و پرورش -- آزمون‌ها و تمرین‌ها (عالی).
 ۲. Islamic education -- Examinations, questions, etc. (Higher). ۳. تمدن اسلامی. ۴. Islamic civilization.
 ۵. تمدن اسلامی -- آزمون‌ها و تمرین‌ها (عالی). ۶. Islamic civilization -- Examinations, questions, etc. (Higher).
 الف. بهشتی، محمد، ۱۳۳۳- ب. بهشتی، سعید، ۱۳۴۲- ج. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
 پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی. د. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. هـ. The Center for Studying and Compling
 BP۲۳۰/۱۸
 ۲۹۷/۴۸۳۷
 شماره کتابشناسی ملی
 ۷۲۶۶۰۶۸



درآمدی بر فلسفه‌های تعلیم و تربیت در تمدن اسلامی

مؤلفان: محمد داودی، محمد بهشتی و سعید بهشتی

ناشران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)،

پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی

صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۹

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۵۸۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات

۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص.پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

مرکز پخش، نمایشگاه و فروشگاه: تهران، روبه‌روی دانشگاه تهران، حد فاصل خیابان‌های فخر رازی و دانشگاه، مجتمع تجاری-اداری پارسا،

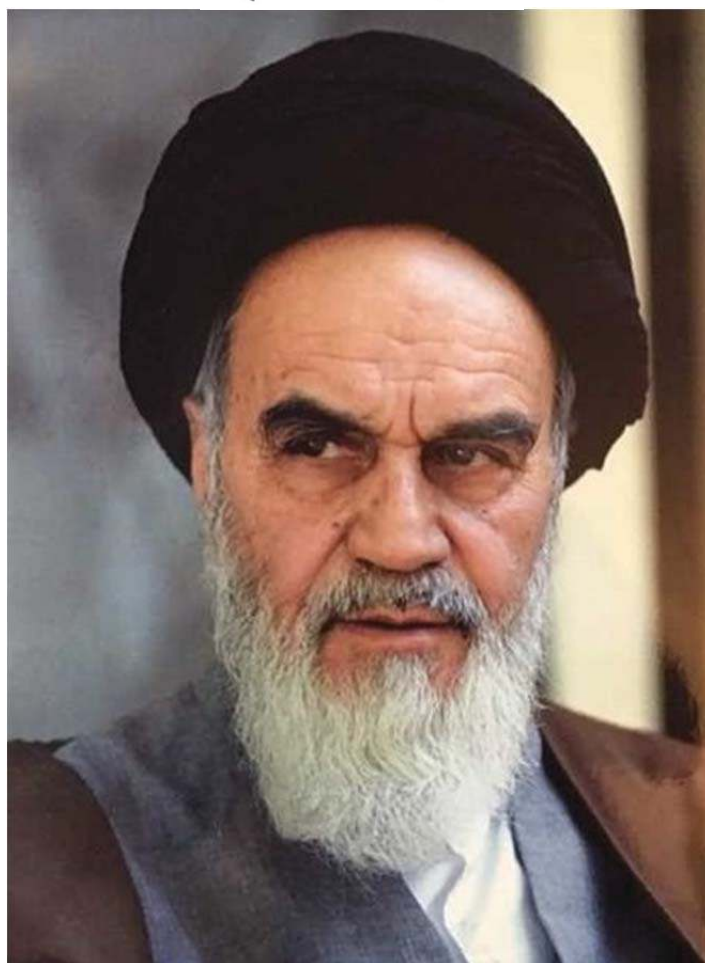
واحد‌های ۲۰۱ و ۷ و ۸، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶۶۴۰۸۱۴۵-۶۶۴۰۸۱۲۰

۶۶۴۰۱۷۸۵۷ (فروشگاه)، نمابر: ۶۶۴۰۵۶۷۸

info@samt.ac.ir

www.samt.ac.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



تمام انبیا موضوع بحثشان، موضوع تربیتشان، موضوع علمشان، انسان است. آمده‌اند انسان را تربیت کنند، آمده‌اند این موجود طبیعی را از مرتبه طبیعت به مرتبه عالی مافوق الطبیعه، مافوق الجبروت برسانند.

صحیفه امام، ج ۷، ص ۲۲۳

پیام پژوهش

نیاز گسترده دانشگاه‌ها به منابع و متون درسی با نگرش اسلامی در رشته‌های علوم انسانی و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخ‌گویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند امکانات موجود با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شود و افزون بر ارتقای کیفی و کمی منابع درسی، از دوباره‌کاری جلوگیری به عمل آید.

به همین منظور پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)؛ پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، هفتادونهمین اثر مشترک خود را با انتشار کتاب «درآمدی بر فلسفه‌های تعلیم و تربیت در تمدن اسلامی» به جامعه علمی کشور عرضه می‌کنند.

کتاب حاضر به عنوان کتاب درسی برای درس «مکاتب فلسفی و آرای تربیتی در اسلام» برای دانشجویان دوره کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت و همین طور منبع درس «فلسفه تربیتی اسلام» به ارزش دو واحد و «مکاتب فلسفی و آرای تربیتی ۱ و ۲» به ارزش ۴ واحد، برای دانشجویان رشته فلسفه تعلیم و تربیت در دوره دکتری تدوین شده است. امید است که افزون بر جامعه دانشگاهی سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، ما را در جهت ارتقای کیفی کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری دهند.

سازمان «سمت»

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

فهرست مطالب

پیشگفتار ۱

بخش اول: فلسفه مشاء و تعلیم و تربیت

مقدمه ۷

فصل اول: مبانی فلسفی تعلیم و تربیت مشاء

مبانی معرفت‌شناختی مشاء	۱۳
چیستی معرفت	۱۳
امکان معرفت	۱۴
انواع معرفت	۱۵
معرفت بی‌واسطه و معرفت باواسطه	۱۵
معرفت نظری و عملی	۱۷
ابزارهای کسب معرفت	۱۷
حواس	۱۸
عقل	۱۹
وحی	۲۰
ملاک اعتبار معرفت	۲۱
چگونگی اثبات اعتبار معرفت	۲۳
خلاصه مبحث	۲۶
پرسش‌ها	۲۷
مبانی هستی‌شناختی (وجود، خداوند، جهان)	۲۸
گفتار اول: مبانی وجودشناختی	۲۸

۲۸	 مفهوم موجود
۲۹	 انواع موجودات
۳۰	 مراتب موجودات
۳۱	 گفتار دوم: مبانی خداشناختی
۳۱	 مفهوم واجب الوجود و اثبات آن
۳۳	 صفات واجب الوجود
۳۳	 گفتار سوم: مبانی جهان‌شناختی
۳۳	 حدوث جهان
۳۴	 هدف خدا از آفرینش جهان هستی
۳۶	 ترتیب و چگونگی آفرینش
۳۹	 نظام احسن
۴۱	 خلاصهٔ مبحث
۴۲	 پرسش‌ها
۴۳	 مبانی انسان‌شناختی
۴۳	 چیستی نفس
۴۴	 وجود نفس
۴۵	 تجرد، بقا و معاد نفس
۴۶	 رابطهٔ نفس و بدن
۴۶	 حدوث نفس
۴۷	 قوای نفس
۴۸	 قوای نباتی نفس ناطقه
۴۸	 قوای حیوانی نفس
۴۹	 قوای ناطقهٔ نفس انسانی
۵۰	 سازگار فعالیت نفس
۵۴	 کمال نفس
۵۵	 خلاصهٔ مبحث
۵۶	 پرسش‌ها
۵۷	 مبانی اخلاق‌شناختی
۵۷	 چیستی سعادت
۶۰	 مراتب سعادت
۶۱	 تغییرپذیری خلقیات
۶۲	 مراتب ادب‌پذیری
۶۳	 نیاز به مربی
۶۳	 راه دستیابی به سعادت
۶۶	 طبقه‌بندی روان‌شناختی مردم

۶۷	خلاصه مبحث.....
۶۸	پرسش‌ها

فصل دوم: ماهیت و عوامل تعلیم و تربیت

۶۹	ماهیت تعلیم و تربیت.....
۷۳	عوامل تعلیم و تربیت
۷۳	معلم و مربی
۷۵	سلسله‌مراتب معلمان.....
۷۸	وظایف و ویژگی‌های معلم و مربی.....
۸۲	دوستان.....
۸۳	خانواده.....
۸۵	رسانه (شعر و داستان).....
۸۵	حکومت
۸۷	خلاصه مبحث.....
۸۸	پرسش‌ها

فصل سوم: اهداف و محتوای تعلیم و تربیت

۹۱	اهداف تعلیم و تربیت
۹۳	هدف غایی تعلیم و تربیت.....
۹۵	اهداف واسطی تعلیم و تربیت.....
۱۰۱	جامعیت اهداف واسطی تعلیم و تربیت
۱۰۵	رابطه اهداف واسطی تعلیم و تربیت با یکدیگر
۱۰۶	محتوای تعلیم و تربیت.....
۱۱۲	خلاصه مبحث.....
۱۱۳	پرسش‌ها

فصل چهارم: روش‌ها و مراحل تعلیم و تربیت

۱۱۵	روش‌های تعلیم و تربیت.....
۱۱۵	روش‌های آموزش.....
۱۱۶	مخاطبه (گفتگو)
۱۱۶	احتذاء (تقلید)
۱۱۷	تلقین
۱۱۷	تمرین و تکرار.....
۱۱۸	پرسش و پاسخ.....
۱۱۹	شرح و توضیح.....

۱۱۹	 شعر
۱۲۰	 شیوه‌ها و فنون آموزش
۱۲۱	 روش‌های تربیت
۱۲۱	 روش‌های حفظ سلامت نفس
۱۲۱	 برگزیدن دوستان شایسته و معاشرت با صاحبان فضائل
۱۲۲	 برگزیدن معلم و مربی مهذب
۱۲۳	 حاضر نشدن در مجالس نامناسب
۱۲۳	 اقدام نکردن به اعمال ناشایست هرچند کوچک
۱۲۴	 تحریک نکردن قوه شهویه و غضبیه
۱۲۴	 آمادگی برای مقابله با شهوت و غضب برانگیخته شده
۱۲۴	 روش‌های تربیت دیگران
۱۲۴	 باورسازی و انگیزه‌سازی
۱۲۶	 ترغیب و ترهیب
۱۲۶	 تنبیه و تشویق
۱۲۹	 شعر به‌منزله ابزار آموزش ارزش‌ها
۱۲۹	 مراحل تعلیم و تربیت
۱۳۱	 تعلیم و تربیت پیش‌دستانی
۱۳۲	 تعلیم و تربیت عمومی
۱۳۴	 تعلیم و تربیت تخصصی و عالی
۱۳۶	 خلاصه میحث
۱۳۷	 پرسش‌ها

بخش دوم: فلسفه اشراق و تعلیم و تربیت

۱۴۱	 مقدمه
-----	-------------

فصل پنجم: مبانی فلسفی تعلیم و تربیت اشراق

۱۴۴	 الف) مبانی معرفت‌شناختی
۱۴۵	 ۱. تعریف علم و معرفت
۱۴۶	 ۲. ماهیت و حقیقت علم و معرفت
۱۴۷	 ۳. اقسام معرفت
۱۴۹	 ۴. امکان معرفت
۱۵۰	 ۵. ابزار معرفت
۱۵۴	 ۶. معیار معرفت
۱۵۵	 ۷. شرایط معرفت

۱۵۷	خلاصه مبحث.....
۱۵۸	پرسش ها.....
۱۵۹	ب) مبانی هستی‌شناختی (وجود، خدا و جهان).....
۱۶۰	گفتار ۱: مبانی وجودشناختی (نورشناسی).....
۱۶۰	۱. معنا و مفهوم نور.....
۱۶۱	۲. ویژگی‌های نور.....
۱۶۳	۳. حقیقت نور.....
۱۶۴	۴. کاربردهای واژه نور در آثار سهروردی.....
۱۶۴	۵. قواعد فلسفی نظام نوری.....
۱۶۵	گفتار ۲: مبانی خداشناختی (نورالانوار).....
۱۶۷	گفتار ۳: مبانی جهان‌شناختی (مراتب نظام نوری).....
۱۶۷	۱. تعداد عوالم وجود.....
۱۶۸	۲. چگونگی چینش سلسله‌مراتب موجودات.....
۱۷۱	۳. ویژگی‌های نظام نوری.....
۱۷۳	خلاصه مبحث.....
۱۷۳	پرسش ها.....
۱۷۵	ج) مبانی انسان‌شناختی.....
۱۷۶	۱. تعریف نفس.....
۱۷۷	۲. هویت نوری نفس.....
۱۷۸	۳. تجرد نفس.....
۱۷۹	۴. جاودانگی نفس.....
۱۸۰	۵. مختصات نفس.....
۱۸۱	۶. مختصات بدن.....
۱۸۲	۷. ارتباط متقابل نفس و بدن.....
۱۸۴	۸. کمال نفس.....
۱۸۵	خلاصه مبحث.....
۱۸۷	پرسش ها.....
۱۸۸	د) مبانی اخلاق‌شناختی.....
۱۸۹	۱. مفهوم و ماهیت اخلاق.....
۱۹۱	۲. پایه‌های اخلاق در فلسفه اشراق.....
۱۹۲	۳. اهداف اخلاق.....
۱۹۵	۴. معیار اخلاق.....
۱۹۷	۵. فضائل بنیادین در نگاه سهروردی.....
۱۹۹	۶. ردائیل بنیادین.....
۲۰۱	خلاصه مبحث.....

۲۰۲	پرسش‌ها
۲۰۳	ه) مبانی سیاسی اجتماعی
۲۰۳	۱. ضرورت همیاری اجتماعی
۲۰۴	۲. ضرورت سیاست و تدبیر
۲۰۵	۳. بافت نظام سیاسی
۲۰۷	۴. آسیب‌شناسی در نظام سیاسی
۲۰۷	۵. نیازهای بنیادین جامعه مدنی
۲۰۹	خلاصه مبحث
۲۱۰	پرسش‌ها

فصل ششم: ماهیت و عوامل تعلیم و تربیت

۲۱۲	۱. تربیت چیست؟
۲۱۴	۲. تجزیه و تحلیل تربیت
۲۱۷	۳. امکان تربیت برای همه
۲۱۸	۴. عوامل تعلیم و تربیت
۲۲۶	خلاصه مبحث
۲۲۶	پرسش‌ها

فصل هفتم: اهداف و محتوای تعلیم و تربیت

۲۲۷	الف) اهداف تعلیم و تربیت در فلسفه اشراق
۲۲۹	هدف غایی تربیت
۲۳۲	اهداف واسطی
۲۳۲	۱. اهداف علمی آموزشی
۲۳۴	۲. اهداف اعتقادی ایمانی
۲۳۴	۲-۱. وجود خدا شک‌بردار نیست
۲۳۵	۲-۲. توحید افعالی
۲۳۵	۲-۳. صفات باری تعالی
۲۳۶	۲-۴. اعتقاد به معاد
۲۳۷	۲-۵. اعتقاد به وحی و نبوت
۲۳۸	۲-۶. التزام قلبی و عملی به دستورهای دینی
۲۳۸	۲-۷. کسب رضایت و محبت الهی
۲۳۹	۳. اهداف اخلاقی
۲۳۹	۳-۱. خودشناسی
۲۴۰	۳-۲. هدایت و پرورش نفس
۲۴۱	۴. اهداف شهودی

۲۴۳	۵. اهداف زیستی.....
۲۴۳	۵-۱. استعلا.....
۲۴۴	۵-۲. اعتدال.....
۲۴۴	۵-۳. سلامت بدن.....
۲۴۵	ب) محتوای تعلیم و تربیت در فلسفه اشراق.....
۲۴۵	۱. تعریف.....
۲۴۶	۲. ویژگی‌های مواد آموزشی در فلسفه اشراق.....
۲۴۶	۲-۱. رعایت اولویت‌ها.....
۲۴۷	۲-۲. استفاده از تجارب و میراث گذشتگان.....
۲۴۸	۲-۳. توجه به فراگیری آموزه‌های رایج و متعارف.....
۲۴۹	۲-۴. چگونگی ارائه مواد آموزشی.....
۲۴۹	خلاصه مبحث.....
۲۵۰	پرسش‌ها.....

فصل هشتم: روش‌ها و مراحل تعلیم و تربیت از منظر فلسفه اشراق

۲۵۱	الف) روش‌های خودتربیتی.....
۲۵۲	۱. آموختن و یاد گرفتن.....
۲۵۳	۲. تلقین.....
۲۵۵	۳. تکرار و تمرین.....
۲۵۶	۴. مراقبه و محاسبه.....
۲۵۷	۵. یاد مرگ و قیامت.....
۲۵۸	۶. خلوت و ذکر و فکر.....
۲۶۰	۷. مدیریت در خوردن، خفتن و گفتن.....
۲۶۱	ب) روش‌های دیگر تربیتی.....
۲۶۱	۱. روش اسوه‌سازی.....
۲۶۳	۲. بهره‌برداری از تمثیلات.....
۲۶۴	۳. تمرین و تکرار.....
۲۶۶	۴. داستان‌سرایی.....
۲۶۸	۵. آراسته‌سازی.....
۲۷۴	خلاصه مبحث.....
۲۷۵	پرسش‌ها.....

بخش سوم: حکمت متعالیه و تعلیم و تربیت

مقدمه..... ۲۷۹

فصل نهم: مبانی فلسفی تعلیم و تربیت متعالیه

- الف) مبانی معرفت‌شناختی..... ۲۸۱
۱. علم از عوارض ذاتی موجود بما هو موجود است..... ۲۸۲
 ۲. علم، بدیهی و تعریف‌ناپذیر است..... ۲۸۲
 ۳. وجود مطلق، افزون بر وجود خارجی، مصداق دیگری به نام وجود ذهنی یا وجود علمی دارد..... ۲۸۳
 ۴. میان علم و معلوم، اتحاد ماهوی برقرار است..... ۲۸۳
 ۵. علم، مجرد از ماده است..... ۲۸۴
 ۶. ادراک، امری تدریجی و شامل سه مرتبه حسی، خیالی و عقلی است..... ۲۸۴
 ۷. مراتب سه‌گانه ادراک در آدمی، متحد و مطابق با مراتب سه‌گانه هستی است..... ۲۸۵
 ۸. ادراک وجود اشیا، همانا ادراک وجود تعلقی آنهاست..... ۲۸۵
 ۹. علم انسانی به عقلی، شرعی و لدنی؛ و علم عقلی به نظری و عملی تقسیم می‌شود..... ۲۸۶
 ۱۰. علم خداشناسی، برترین علم در میان علوم عقلی است..... ۲۹۰
 ۱۱. علم لدنی، برترین علم در میان همه علوم است..... ۲۹۱
 ۱۲. عمل آدمی در قوه ادراکی او اثر می‌گذارد..... ۲۹۱
 ۱۳. میان علم و عالم، اتحاد وجودی برقرار است..... ۲۹۲
 ۱۴. علوم، برتر از احوال و احوال برتر از اعمال‌اند..... ۲۹۳
 ۱۵. علوم مکاشفه‌ای ماندگار در گرو اعمال مراقبتی پایدار است..... ۲۹۵
- خلاصه مبحث..... ۲۹۶
- پرسش‌ها..... ۲۹۶
- ب) مبانی وجودشناختی..... ۲۹۸
- ب.۱) مبانی وجودشناختی عام..... ۲۹۸
۱. وجود، بدیهی و بی‌نیاز از تعریف و اثبات است..... ۲۹۸
 ۲. وجود، مشترک معنوی است..... ۲۹۹
 ۳. مفهوم وجود، غیر از مفهوم ماهیت است..... ۲۹۹
 ۴. وجود، اصیل و ماهیت، اعتباری است..... ۳۰۰
 ۵. وجود در عین وحدت، کثیر و در عین کثرت، واحد است..... ۳۰۱
 ۶. صور طبیعی یا جواهر موجودات عالم ماده، در حرکت مداوم‌اند..... ۳۰۲
- ب.۲) مبانی وجودشناختی خاص یا مبانی خداشناختی..... ۳۰۳
۱. خداوند متعال، واجب‌الوجود، صرف‌الوجود، تام‌الحقیقه، و بی‌نیاز از غیرخود است..... ۳۰۳
 ۲. خداوند متعال، واحد است..... ۳۰۴
 ۳. صفات خداوند متعال، عین ذات اوست..... ۳۰۴

۴. صفات خداوند متعال، اختلاف مفهومی و اتحاد خارجی دارند.....	۳۰۵
۵. خداوند را به خودش شناختن، عالی‌ترین مرتبه‌ی خداشناسی است.....	۳۰۵
۶. جهان هستی، فعل خداست.....	۳۰۵
خلاصه‌ی مبحث.....	۳۰۷
الف) مبانی عام.....	۳۰۷
ب) مبانی خاص.....	۳۰۸
پرسش‌ها.....	۳۰۸
ج) مبانی انسان‌شناختی.....	۳۰۹
۱. انسان موجودی مرکب از دو جوهر بدن و نفس است.....	۳۰۹
۲. بدن انسان محصول والاترین ترکیب متعادل از عناصر مادی است.....	۳۱۰
۳. تعلق نفس انسان به بدن، تعلق ذاتی و عمیق است، نه عرضی و سطحی.....	۳۱۱
۴. نفس انسان، حدوث جسمانی و بقای روحانی دارد.....	۳۱۳
۵. نفس انسان حرکت جوهری دارد.....	۳۱۶
۶. انسان، مقصد آفرینش همه‌ی موجودات عالم طبیعت و جامع همه‌ی کمالات وجودی آنها است.....	۳۲۰
۷. نفس انسان، برخوردار از قوای ادراکی و تحریکی موجودات پایین‌تر از خود.....	۳۲۱
الف) نگاه فلسفی.....	۳۲۱
الف. ۱) مفهوم و مراتب عقل نظری.....	۳۲۲
الف. ۲) مفهوم و مراتب عقل عملی.....	۳۲۳
الف. ۳) جمع‌بندی بحث.....	۳۲۴
ب) نگاه عرفانی.....	۳۲۴
۸. نفس انسان دارای سه مرتبه‌ی وجودی ادراکی است.....	۳۲۷
۹. استکمال نظری انسان با پیمودن سفرهای چهارگانه‌ی عقلی حاصل می‌آید.....	۳۲۷
۱۰. نفوس بشری به لحاظ کمال و نقص با یکدیگر تفاوت دارند.....	۳۲۹
۱۱. اندیشه‌گری در باب بایدها و نبایدهای اخلاقی یکی از مختصات انسان است.....	۳۲۹
۱۲. مرگ طبیعی، نتیجه‌ی رویگردانی اختیاری نفس از بدن است.....	۳۳۰
خلاصه‌ی مبحث.....	۳۳۱
پرسش‌ها.....	۳۳۲
د) مبانی اخلاق‌شناختی.....	۳۳۳
۱. نفس آدمی به لحاظ فطرت نخستین، موجودی ربانی و شریف است.....	۳۳۴
۲. اخلاق انسان پیش از ورود به مرحله‌ی فطرت دومین می‌تواند تغییر کند.....	۳۳۴
۳. انسان‌ها به لحاظ فطرت نخستین، نوع واحدند، اما در مرحله‌ی فطرت دومین، ...	۳۳۵
۴. بدن‌های اخروی، محصول اخلاق دنیوی انسان‌ها هستند.....	۳۳۶
۵. پیدایش صور باطنی چهارگانه طبق ترتیب خاصی انجام می‌پذیرد.....	۳۳۶
۶. ارکان صورت‌های باطنی انسان، چهار رکن و اخلاق حسنه، ...	۳۳۷
۷. بازگشت ارگان چهارگانه‌ی اخلاق حسنه به دو رکن حکمت و حریت است.....	۳۳۹

الف) حکمت.....	۳۳۹
ب) حریت.....	۳۳۹
۸. استکمال قوهٔ عامله یا عقل عملی در چهار مرحله صورت می‌پذیرد.....	۳۴۰
۹. سعادت، امری وجودی و مراتب آن نیز وجودی است.....	۳۴۱
۱۰. موجودات به قدر ادراکشان از سعادت، سعادتمندند.....	۳۴۲
۱۱. سعادت شامل سعادت حسی و عقلی و سعادت عقلی، بالاتر از سعادت حسی است.....	۳۴۲
۱۲. کامل‌ترین قسم سعادت عقلی، مشاهدهٔ حقایق عینی صور معقوله، ...	۳۴۴
۱۳. همانند سعادت، شقاوت نیز دو شاخهٔ حسی و عقلی دارد.....	۳۴۵
۱۴. منشأ شقاوت عقلی یا ناآگاهی از معارف عقلی و یا آگاهی همراه با دشمنی و انکار است.....	۳۴۸
۱۵. محرومیت از سعادت حقیقی عقلی اخروی، می‌تواند ریشهٔ اخلاقی داشته باشد.....	۳۵۰
خلاصهٔ مبحث.....	۳۵۲
پرسش‌ها.....	۳۵۳
ه) مبانی سیاسی-اجتماعی.....	۳۵۵
۱. انسان، موجودی ذاتاً اجتماعی است.....	۳۵۵
۲. قانون در زندگی اجتماعی، امری ضروری است.....	۳۵۵
۳. قانون مورد نظر حکمت متعالیه برای ادارهٔ زندگی اجتماعی همانا شریعت الهی است.....	۳۵۶
۴. شریعت الهی، بدون وجودی شارعی از جنس انسان‌ها امکان‌ناپذیر است.....	۳۵۶
۵. رئیس اول جامعهٔ کامل، واجد کمالات نخستین و دومین است.....	۳۵۷
الف) کمال نخستین.....	۳۵۷
ب) کمالات دومین.....	۳۵۹
۶. جامعهٔ کامل، وسیلهٔ دستیابی به برترین خیر و والاترین کمال است.....	۳۶۰
۷. سلسله‌مراتب طبقات اجتماعی جامعهٔ کامل، همانند سلسله‌مراتب.....	۳۶۱
۸. نسبت سیاست به شریعت در جامعهٔ کامل، نسبت عبد به مولا یا اطاعت است.....	۳۶۱
ه. ۱) تفاوت سیاست و شریعت از حیث مبدأ.....	۳۶۳
ه. ۲) تفاوت سیاست و شریعت از حیث غایت.....	۳۶۵
ه. ۳) تفاوت سیاست و شریعت از حیث فعل.....	۳۶۶
ه. ۴) تفاوت سیاست و شریعت از حیث انفعال.....	۳۶۶
خلاصهٔ مبحث.....	۳۶۶
پرسش‌ها.....	۳۶۷

فصل دهم: ماهیت و عوامل تعلیم و تربیت

الف) ماهیت تعلیم و تربیت متعالیه.....	۳۶۹
ب) عوامل تعلیم و تربیت متعالیه.....	۳۷۲
ب. ۱) نگاهی مقصدانه به پیشینهٔ بحث.....	۳۷۲
ب. ۲) معرفی عوامل تعلیم و تربیت متعالیه.....	۳۷۶

۳۷۶	۱. خداوند متعال
۳۷۶	۱-۱. عاملیت بی‌واسطه خداوند متعال
۳۷۷	۱-۲. عاملیت با واسطه خداوند متعال
۳۷۸	۲. پیامبران علیهم‌السلام و امامان معصومین علیهم‌السلام
۳۸۰	۳. قرآن کریم
۳۸۱	۴. عالمان ربانی
۳۸۲	۵. عالمان ظاهری
۳۸۲	۶. معلمان
۳۸۳	۷. والدین
۳۸۴	۸. نظام سیاسی
۳۸۵	۹. خودنالاشری
۳۸۵	خلاصه مبحث
۳۸۷	پرسش‌ها

فصل یازدهم: اهداف و محتوای تعلیم و تربیت متعالیه

۳۹۰	الف) اهداف
۳۹۰	الف. ۱) مفهوم هدف
۳۹۱	الف. ۲) مفهوم هدف تربیتی
۳۹۱	الف. ۳) سطوح هدف‌های تربیتی
۳۹۳	الف. ۴) منابع هدف‌ها
۳۹۵	الف. ۵) اهداف تعلیم و تربیت متعالیه
۳۹۵	الف. ۵-۱) هدف غایی تعلیم و تربیت متعالیه: تشبیه به خداوند متعال
۳۹۶	الف. ۵-۲) اهداف کلی تعلیم و تربیت متعالیه
۳۹۷	الف. ۵-۲-۱) اهداف کلی سطح اول
۳۹۷	۱. هدف کلی سطح اول نظری: وصول به مقام حکمت
۳۹۹	۲. هدف کلی سطح اول عملی: وصول به مقام حریت
۴۰۲	الف. ۵-۲-۲) اهداف کلی سطح دوم
۴۰۴	الف) اهداف کلی سطح دوم در بخش حکمت نظری
۴۰۴	۱. اثبات ذات یا وجود خداوند متعال
۴۰۵	۲. شناخت اوصاف ذاتی خداوند متعال
۴۰۵	۳. شناخت اوصاف فعلی یا افعال خداوند متعال
۴۰۵	۴. شناخت نفس از ابتدای تکون تا انتهای آن
۴۰۶	ب) اهداف کلی سطح دوم در بخش حکمت عملی
۴۰۷	۱. تحقق هیئت استعلایی نفس نسبت به بدن یا اصلاح عمل در مقیاس درونی
۴۰۷	۲. آمادگی برای پذیرش حکمت نظری

۴۰۸	 ۳. سامان دادن به تعامل انسان در محیط خانواده یا انتظام بخشیدن
۴۰۹	 ۴. سامان دادن به تعامل انسان در محیط جامعه یا انتظام بخشیدن
۴۰۹	 (ب) محتوا
۴۱۵	 خلاصهٔ مبحث
۴۱۶	 پرسش‌ها

فصل دوازدهم: روش‌ها و مراحل تعلیم و تربیت متعالیه

۴۱۷	 (الف) روش‌ها
۴۱۸	 الف. ۱) مروری بر پیش‌فرض‌های فلسفی روش‌ها
۴۱۹	 الف. ۲) روش‌های تربیت عقل عملی
۴۲۲	 الف. ۳) روش‌های تربیت عقل نظری
۴۲۳	 (ب) مراحل
۴۲۳	 ب. ۱) تمهید مقدمات بحث
۴۲۵	 ب. ۲) مراحل تعلیم و تربیت متعالیه
۴۲۵	 ب. ۲-۱) مرحلهٔ فراگیری حکمت‌های عملی کلی
۴۲۶	 الف) فراگیری دانش تهذیب اخلاق
۴۲۶	 ب) فراگیری دانش تدبیر منزل
۴۲۷	 ج) فراگیری دانش سیاست مدن
۴۲۷	 ب. ۲-۲) مرحلهٔ عمل به حکمت‌های عملی کلی
۴۲۷	 الف) استكمال عقل عملی در مرحلهٔ تهذیب اخلاق
۴۲۸	 ب) استكمال عقل عملی در مرحلهٔ تدبیر منزل
۴۲۸	 ج) استكمال عقل عملی در مرحلهٔ تدبیر جامعه
۴۲۸	 ب. ۲-۳) مرحلهٔ فراگیری حکمت‌های نظری کلی
۴۲۸	 ۱. سفر از خلق به حق
۴۲۹	 ۲. سفر از حق به خلق با حق
۴۲۹	 ۳. سفر از حق به خلق با حق
۴۲۹	 ۴. سفر از خلق به خلق با حق
۴۳۰	 خلاصهٔ مبحث
۴۳۲	 پرسش‌ها
۴۳۳	 فهرست منابع

نمایه‌ها

۴۴۱	 نمایه آیات
۴۴۳	 نمایه اصطلاحات
۴۴۵	 نمایه اشخاص

پیشگفتار

یکی از خواسته‌های اصلی مردم و رهبر انقلاب اسلامی، امام خمینی رحمه‌الله، و پس از ایشان مقام معظم رهبری، که در شعارهای اساسی انقلاب اسلامی نیز برجسته و آشکار بود، استقلال است: استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، صنعتی و... . تحولات سی و چند ساله پس از پیروزی انقلاب اسلامی به‌خوبی نشان داد که حفظ استقلال کشور به مراتب سخت‌تر و طاقت‌فرساتر از به دست آوردن آن است و دشمنان استقلال و عزت کشور از هر حربه‌ای برای نابودی آن استفاده می‌کنند. تحمیل جنگ هشت‌ساله، به راه انداختن جنگ تبلیغاتی، تحریم اقتصادی و علمی و فرهنگی، و به راه انداختن موج ایران‌هراسی نمونه‌های برجسته‌ای از تلاش دشمنان در این زمینه است.

پیگیری و تحلیل این تحولات، متفکران و اندیشمندان جامعه را به این نتیجه می‌رساند که نگهداری استقلال کشور – که برای به دست آوردن آن هزینه‌ای سنگین پرداخت شده، که تنها بخشی از آن را تقدیم هزاران شهید و مجاهدت‌های جانکاه مبارزان و انقلابیون تشکیل می‌دهد – جز با استقلال علمی ممکن نیست. تولید نظریه‌های علمی بومی در زمینه‌های گوناگون از علوم انسانی گرفته تا علوم تجربی، مهم‌ترین و بلکه تنها راه برای مقابله با حربه‌های دشمنان استقلال و عزت کشور است. تحریم اقتصادی در صورتی کارگر می‌افتد که اقتصاد کشور ضعیف و ضربه‌پذیر باشد. و تنها راه برای تقویت اقتصاد کشور و مقاوم کردن آن، تولید نظریه‌های اقتصادی متناسب با شرایط و ویژگی‌های خاص کشور است. استقلال سیاسی هنگامی در معرض خطر قرار می‌گیرد که دولت‌های برآمده از خواست مردم نتوانند نیازهای مردم را در حد متعارف تأمین کنند و این توانایی هنگامی حاصل می‌شود که نظریه‌ای کارآمد

برای حل مشکلات مدیریتی کشور تدوین شده باشد؛ بنابراین، از میان ابعاد مختلف استقلال، بعد استقلال علمی از همه مهم‌تر و اساسی‌تر است؛ زیرا حفظ استقلال کشور در ابعاد سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و مانند آن وابسته به استقلال علمی است و ثمره استقلال علمی تولید دانش بومی برای حل مشکلات و تأمین نیازهای مادی و معنوی مردم در ابعاد گوناگون است. بدیهی است استقلال علمی به معنای حصارکشی به دور متفکران و اندیشمندان و منزوی بودن از جریان‌های علمی دنیا نیست؛ چراکه ارتباط با جریان‌های علمی مقدمه و شرط لازم برای استقلال علمی است.

در میان رشته‌های گوناگون علمی، تعلیم و تربیت یکی از رشته‌های مهم و سرنوشت‌ساز است، از این جهت که بقا و رشد یک جامعه، به منزله صاحب و حامل فرهنگ و تمدنی خاص، بر عهده تعلیم و تربیت آن جامعه است. تعلیم و تربیت است که جهان‌بینی، باورها و ارزش‌های جامعه را به نسل جدید منتقل می‌کند؛ تعلیم و تربیت است که هویت خاص یک جامعه را در فرزندانش پرورش می‌دهد؛ تعلیم و تربیت است که باورها و ارزش‌ها را اصلاح، معایب فرهنگ جامعه را از میان می‌برد و موجبات رشد و اعتلای آن را فراهم می‌آورد. از این‌رو، تولید نظریه تربیتی و دانش تربیتی برآمده از فرهنگ جامعه و سازگار با آن یکی از ضرورت‌های ابتدایی برای حفظ استقلال یک جامعه است.

در مسیر تولید دانش تعلیم و تربیت اسلامی ایرانی، نخستین گام پی‌افکندن فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی ایرانی است؛ زیرا فلسفه تعلیم و تربیت مبانی و مفاهیم اساسی دانش تعلیم و تربیت و روش تحقیق در آن را معین می‌کند و زمینه را و در یک کلام، نقشه و مصالح لازم را برای تولید و تولد آن فراهم می‌آورد.

فلسفه تعلیم و تربیت بیش از هر چیز با فرهنگ جامعه سر و کار دارد که پدیده‌ای ریشه‌دار و دیرپاست و در گذر زمان تحولات بسیاری را از سر گذرانده است. به همین جهت، بازخوانی میراث فرهنگی گذشته جامعه اسلامی ایرانی، که دست‌کم بخش اعظم آن، در مکتب‌های فلسفی متعلق به این مرز و بوم تجلی پیدا کرده، برای تدوین فلسفه تعلیم و تربیت ایرانی اسلامی ضرورتی انکارناپذیر است. خوشبختانه سه مکتب فلسفی بزرگ در تمدن اسلامی به‌وجود آمده و رشد کرده که از میان آنها دو مکتب فلسفی به دست دانشمندان ایرانی پایه‌گذاری

شده و افراد شاخص مکتب دیگر نیز ایرانی بوده‌اند و این زمینه‌ای بسیار مناسب برای بازخوانی این سه میراث گرانسنگ فلسفی ایرانی اسلامی را فراهم می‌آورد.

با عنایت به ضرورت پیش‌گفته، در سال ۱۳۸۷ طرح تدوین «فلسفه‌های تعلیم و تربیت در تمدن ایرانی اسلامی» در گروه علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تصویب شد. این طرح، متناظر با سه مکتب فلسفی مشاء، اشراق و صدرایی، سه بخش اساسی دارد: فلسفه تعلیم و تربیت مشائی، فلسفه تعلیم و تربیت اشراقی و فلسفه تعلیم و تربیت صدرایی.

این اثر که تقدیم ارباب دانش و معرفت می‌شود، تلخیصی است از آن طرح پژوهشی که در سه بخش تنظیم شده است: فلسفه تعلیم و تربیت مشائی، فلسفه تعلیم و تربیت اشراقی و فلسفه تعلیم و تربیت صدرایی. در هر بخش، مبانی تعلیم و تربیت - شامل مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و اخلاق‌شناختی - ماهیت و عوامل تعلیم و تربیت، اهداف و محتوای تعلیم و تربیت، و روش‌ها و مراحل تعلیم و تربیت بررسی شده است. بخش دوم توسط حجت‌الاسلام والمسلمین محمد بهشتی؛ بخش سوم توسط حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سعید بهشتی و بخش اول توسط اینجانب تدوین شده است. دو بخش اول، یعنی فلسفه تعلیم و تربیت مشاء و اشراق، پیش از این در چهار مجلد توسط انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه منتشر شده است و بخش سوم نخستین بار در این کتاب عرضه می‌شود.

این اثر که به‌عنوان کتاب درسی برای دو واحد درسی تدوین شده، در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری در درس‌های «مکتب‌ها و آرای تربیتی» و «فلسفه تعلیم و تربیت» و عناوین نزدیک به آن قابل استفاده است. هدف از تدوین این اثر آشنایی دانشجویان و دانش‌پژوهان فلسفه تعلیم و تربیت با مبانی و مسائل تعلیم و تربیت در سه مکتب مشاء، اشراق و حکمت متعالیه است. انتخاب مباحث و نوع نگارش به‌گونه‌ای است که فراگیران هرچه آسان‌تر و بهتر مطالب را درک کنند و به ذهن بسپارند؛ از این‌رو، در پایان هر فصل خلاصه مباحث و نیز پرسش‌هایی در مورد آن فصل آورده شده است تا دانشجویان محترم پس از فراگرفتن هر فصل مروری بر مباحث داشته باشند و بتوانند به سؤالات مطرح شده پاسخ گویند و از رسیدن به اهداف آموزشی اطمینان حاصل کنند.

در پایان بر خود فرض می‌دانم از حجت‌الاسلام والمسلمین محمد بهشتی و حجت‌الاسلام دکتر سعید بهشتی که زحمت تدوین بخش دوم و سوم را تقبل کردند و از

حجت‌الاسلام دکتر نوذری که زمینه را برای تدوین این اثر تهیه کردند و نیز از گروه علوم تربیتی سازمان «سمت» که با ارزیابی تخصصی به بهبود ساختار و محتوای کتاب یاری رساندند و همچنین دفتر قم این سازمان به سبب تعامل مؤثر در به انجام رسیدن اثر حاضر صمیمانه سپاسگزاری کنم. امید است این اثر مورد توجه استادان و دانش‌پژوهان و علاقه‌مندان به علوم تربیتی قرار گیرد و ما را از دیدگاه‌های خود بهره‌مند کنند.

شهر مقدس قم

محمد داودی

مجری طرح

بخش اول

فلسفه مشاء و تعلیم و تربیت

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد داودی
(دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)

مقدمه

اگر فلسفه تعلیم و تربیت را «بررسی تعلیم و تربیت با روش فلسفی بر پایه مفروضات و یافته‌های فلسفی» بدانیم، دو لازمه خواهد داشت: نخست اینکه، مشخص کردن مفروضات و یافته‌های فلسفی بخشی از فلسفه تعلیم و تربیت است؛ زیرا این مفروضات و یافته‌ها به منزله معیارهایی برای بررسی مسائل و موضوعات تعلیم و تربیت است. این مفروضات و یافته‌ها معمولاً زیرعنوان «مبانی تعلیم و تربیت» تدوین و عرضه می‌شوند؛ دوم اینکه، در فلسفه تعلیم و تربیت، مسائل اساسی تعلیم و تربیت باید براساس مبانی فلسفی آن بررسی شود.

بر این اساس، فلسفه تعلیم و تربیت دو بخش دارد: بخشی از آن تدوین یافته‌ها و مفروضات فلسفی (مبانی تعلیم و تربیت) و بخش دیگر، بررسی مسائل تعلیم و تربیت از قبیل اهداف، ساخت‌ها، عوامل، محتوا، و روش‌های تعلیم و تربیت است.

در برخی آثار فلسفه تعلیم و تربیت از چهار نوع مبنا بحث کرده‌اند: مبانی هستی‌شناختی، مبانی انسان‌شناختی، مبانی معرفت‌شناختی و مبانی ارزش‌شناختی.^۱ در برخی دیگر از آثار نیز در قسمت مبانی فلسفی تنها از سه نوع مبنا - مبانی وجودشناختی، مبانی انسان‌شناختی و مبانی معرفت‌شناختی - بحث شده است.^۲ بنابراین، این سؤال مطرح می‌شود که در فلسفه تعلیم و تربیت، در بخش مبانی چه مباحثی باید به‌عنوان مبانی مطرح شود.

نگاهی به منابع انگلیسی نیز نشان می‌دهد که در آنها نیز یکدستی وجود ندارد. برخی در قسمت مبانی فلسفی تنها به معرفی کلی فیلسوفان و آرای آنها، به‌صورت کلی،

۱. باقری، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران.

۲. علم الهدی، مبانی تربیت اسلامی و برنامه‌ریزی درسی براساس فلسفه ملاصدرا.

بسنده کرده‌اند.^۱ برخی دیگر، نظریات فلسفی را زیرعنوان رشته‌های فلسفی تدوین و عرضه کرده‌اند: منطق، معرفت‌شناسی، متافیزیک، و ارزش‌شناسی. متافیزیک را نیز به چهار قسمت تقسیم کرده‌اند: هستی‌شناسی، جهان‌شناسی، خداشناسی و انسان‌شناسی.^۲ برخی دیگر^۳ هریک از رشته‌های فلسفی را بررسی و دلالت‌های آن را در تربیت بیان کرده‌اند.

براساس تعریف ارائه شده از فلسفه تعلیم و تربیت، همه مفروضات و همه یافته‌های فلسفه زیربنای فلسفه تعلیم و تربیت می‌توانند به‌عنوان مبنا مطرح شوند؛ به این معنا که همه مفروضات و یافته‌های فلسفه مورد نظر ممکن و محتمل است به‌عنوان مبنای تعلیم و تربیت مطرح شوند؛ زیرا ممکن و محتمل است همه آنها در بررسی تعلیم و تربیت نقش و تأثیر داشته باشند.

بدین ترتیب، برای دستیابی به مبانی تعلیم و تربیت بهترین راه این است که رشته‌های فلسفه را ملاک کار خود قرار دهیم؛ بدین معنا که آرا و نظرات هر مکتب فلسفی را بر محور رشته‌های فلسفی ارائه و در پایان آن دسته از نظریات مطرح در این رشته‌ها را که در بررسی مسائل تعلیم و تربیت تأثیر دارند به‌عنوان مبنا مطرح نماییم.

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که فلسفه چه رشته‌ها یا شاخه‌هایی دارد. در سنت اسلامی فلسفه را به دو قسم نظری و عملی تقسیم می‌کنند. فلسفه نظری شامل سه رشته الهیات (فلسفه اولی/ مابعدالطبیعه/ متافیزیک)،^۴ ریاضیات و طبیعیات است و فلسفه عملی شامل اخلاق، تدبیر منزل و سیاست. ریاضیات و قسمت اعظم طبیعیات به جز علم النفس و تدبیر منزل به تدریج از دایره بحث و تحقیق فلسفی خارج شده و مباحث فلسفی در مابعدالطبیعه، علم النفس، اخلاق و سیاست منحصر شده است. هرچند اخلاق و سیاست هم بعدها دچار بی‌مهری شد، ولی این دو، به‌ویژه اخلاق، کاملاً از حوزه درس و بحث فلسفی کنار گذاشته نشدند؛ چنان‌که در قرون بعدی شاهد آثاری مانند اخلاق ناصری، محجة البیضاء و در قرن گذشته شاهد نگارش جامع السعادات و معراج السعادة بودیم. بنابراین، اگر بخواهیم مبانی تعلیم و تربیت مشاء را بررسی و مشخص کنیم، چاره‌ای جز بررسی منطق، مابعدالطبیعه، علم النفس، اخلاق و سیاست مشاء و ارائه یافته‌های آن در ذیل این عناوین نداریم.

۱. اوزمن و کراور، مبانی فلسفی تعلیم و تربیت، ترجمه گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزشی-پژوهشی امام خمینی (ع).

2. Butler, Donal, J., Four Philosophies and Their Practice in Education and Religion.

3. Noddings, Nel, Philosophy of Education.

۴. از این به بعد تنها از عنوان مابعدالطبیعه برای دلالت بر این رشته فلسفی استفاده خواهد شد.

در این صورت، این پرسش مطرح می‌شود که مباحثی مانند وجودشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی در این میان چه جایگاهی دارند؟ در پاسخ باید گفت، مابعدالطبیعه گرچه موضوع واحدی دارد، مباحث آن را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: مباحث وجودشناختی، مباحث خداشناختی، و مباحث جهان‌شناختی. اما این تمایز و تقسیم تا قرن هفده میلادی مورد توجه نبود. نخستین بار یکی از فلاسفه اسکولاستیک، به نام رودلف گوسلنیوس،^۱ در سال ۱۶۳۶ میلادی واژه لاتین *Ontologia* را که معادل انگلیسی آن *Ontology* است، وضع کرد و به کار برد. گرچه برخی نویسندگان مانند ابراهام کالویس^۲ این واژه را معادل متافیزیک به کار برده‌اند؛ ولی دیگران همانند خود رودلف آن را به منزله عنوانی برای بخشی از متافیزیک که درباره وجود بحث می‌کند، به کار برده‌اند. این اصطلاح از آن زمان به بعد به منزله عنوان بخشی از مباحث مابعدالطبیعه رواج پیدا کرد و به اصطلاحی تثبیت شده تبدیل شد و در اواخر قرن هفدهم و اوایل قرن هجدهم، هستی‌شناسی کاملاً از خداشناسی جدا شد.^۳ بنابراین، هستی‌شناسی یکی از زیرشاخه‌های مابعدالطبیعه است و تاریخ وضع و رواج آن به اواخر قرن هفده و اوایل قرن هجده می‌رسد.

جهان‌شناسی^۴ نامی است برای خانواده‌ای از تحقیقات که همگی مربوط به جهان به منزله یک کل هستند. این واژه هم در فلسفه و هم در علم کاربرد دارد. کاربرد این واژه در فلسفه به منزله بخشی از متافیزیک از زمان کریستین ولف،^۵ در قرن هفدهم، رواج پیدا کرد. وی در کتاب فلسفی خودش، جهان‌شناسی را بخشی از متافیزیک قلمداد کرد که با فیزیک تفاوت دارد و این بخش را از هستی‌شناسی و خداشناسی و روان‌شناسی متمایز کرد. با وجود اشکال اساسی که کانت بر جهان‌شناسی عقلی وارد کرد، این واژه پس از آن، هم توسط اسکولاستیک‌ها و هم توسط غیراسکولاستیک‌هایی مانند مور به کار رفت؛ البته برخی مانند وایتهد این واژه را معادل فلسفه نظری^۶ به معنای وسیع کلمه تلقی کرده‌اند.^۷ بدین ترتیب، جهان‌شناسی نیز به منزله

1. Rudolf Goclenius

2. Abraham Calovius

3. MacIntyre, «Ontology»

4. cosmology

5. Wolf, Christian

6. speculative Philosophy

7. Munitz, *The Encyclopedia of Philosophys*, P 237.

بخشی دیگر از مابعدالطبیعه اصطلاحی است که از اواخر قرن هفده و اوایل قرن هجده وارد فلسفه شده و رواج یافته است. خداشناسی هم بخش سومی از مابعدالطبیعه است که گاه از آن به خداشناسی طبیعی^۱ هم تعبیر می‌کنند.

بدین ترتیب، روشن شد که هستی‌شناسی، جهان‌شناسی و خداشناسی سه مبحث از مباحث مابعدالطبیعه هستند که عنوان جداگانه‌ای پیدا کرده و از یکدیگر متمایز شده‌اند. اینکه در برخی آثار مربوط به فلسفه تعلیم و تربیت با مباحثی مانند مبانی وجودشناختی یا مبانی جهان‌شناختی مواجه می‌شویم، متأثر از این واقعیت است.

معرفت‌شناسی رشته‌ای از فلسفه نظری است که بعدها به فلسفه افزوده شد؛ البته نقش کانت در پیدایش این رشته فلسفی انکارناپذیر است. معرفت‌شناسی رشته فلسفی نوپدید است که نه در فلسفه اسلامی مطرح بوده و نه در فلسفه اسکولاستیک و از مابعدالطبیعه نیز مستقل است. هرچند به برخی از مباحث معرفت‌شناسی به صورت پراکنده در منطق و فلسفه اسلامی مطرح بوده است.

ارزش‌شناسی نیز که بعدها ابداع شد، عنوان عامی است که هم شامل بحث درباره اخلاق و ارزش‌های اخلاقی می‌شود و هم شامل بحث درباره ارزش‌های دینی، سیاسی و عرفی. در واقع، می‌توان این عنوان را جایگزین اخلاق در فلسفه اسلامی و فلسفه اسکولاستیک دانست. از آنجا که در آثار فلاسفه اسلامی درباره اخلاق بحث شده، در این نوشته ما نیز به جای ارزش‌شناسی از اخلاق بحث می‌کنیم.

یکی از بخش‌های طبیعیات در فلسفه اسلامی «علم النفس» است که شامل حقیقت نفس، اثبات نفس، قوای نفس، کمال انسان و معاد است. در فلسفه اسکولاستیک غرب نیز «علم النفس» تقریباً با همین مباحث، به جز بحث معاد، مطرح بوده است. به تدریج، در غرب، علم النفس به دو قسمت عقلی و تجربی تقسیم شد. این تقسیم‌بندی را در قرن هفدهم، در فلسفه ولف، می‌توان به وضوح مشاهده کرد. علم النفس ولف درباره روح انسان بحث می‌کند و به دو قسم عقلی (یا نظری) و تجربی تقسیم می‌شود. روان‌شناسی نظری مطالعه متافیزیکی روح است؛ درحالی‌که روان‌شناسی تجربی مطالعه درباره قوای روح به وسیله حواس باطنی است. او در روان‌شناسی تجربی درباره قوای شناختی و اراده انسان به منزله دو قوه از قوای روح بحث

1. natural theology

می‌کند.^۱ با پیدایش روان‌شناسی تجربی، مباحث مربوط به قوای نفس از علم النفس حذف و مباحث علم النفس منحصر شد به بحث درباره حقیقت نفس، اثبات وجود نفس، رابطه نفس با بدن و اراده و اختیار انسان که امروزه در فلسفه غرب این مباحث در مابعدالطبیعه بررسی می‌شود. انسان‌شناسی در زبان فارسی رشته‌ای است که در آن تقریباً همه مباحث علم النفس با برخی اضافات مطرح می‌شود. بنابراین، انسان‌شناسی عنوانی است که در زبان فارسی جایگزین «علم النفس» شده است و علی‌الظاهر انسان‌شناسی با این مفهوم، واژه‌ای است که تنها در زبان فارسی به کار می‌رود و تاریخ پیدایش آن نیز مربوط به دوران معاصر است.

بدین ترتیب، مبانی تعلیم و تربیت مشاء باید ذیل این عناوین بررسی شوند: مبانی مابعدالطبیعی شامل مبانی وجودشناختی، خداشناختی و جهان‌شناختی، مبانی انسان‌شناختی یا علم النفس و مبانی اخلاق‌شناختی. معرفت‌شناسی به عنوان یک رشته جدا در فلسفه مشاء مطرح نبوده، اما با توجه به اهمیت و تأثیر برجسته آن در تعلیم و تربیت، و با توجه به اینکه امروزه این بحث در ایران از ادبیاتی غنی برخوردار است، باید مبانی معرفت‌شناختی را نیز به فهرست عناوین اضافه کنیم و در مقابل، از طرح مبانی منطقی چشم‌پوشی کنیم؛ زیرا مباحثی از منطق که می‌تواند در تعلیم و تربیت مؤثر باشد، در ذیل معرفت‌شناسی مطرح می‌شود.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت مبانی تعلیم و تربیت مشاء در ذیل این عناوین بررسی و عرضه خواهد شد: ۱. مبانی معرفت‌شناختی؛ ۲. مبانی مابعدالطبیعی یا هستی‌شناختی شامل مبانی وجودشناختی، خداشناختی و جهان‌شناختی؛ ۳. مبانی انسان‌شناختی یا علم النفس و ۴. مبانی اخلاق‌شناختی.

پس از بررسی مبانی تعلیم و تربیت مشاء، مسائل تعلیم و تربیت مشاء شامل ماهیت و عوامل تعلیم و تربیت، اهداف و محتوا و روش‌ها و مراحل، بررسی می‌شود.

1. Tonelli, Giorgio, «Wolff, Christian», P. 340.

